

پس از سال ۲۰۱۲،  
پکن تعاملات  
دیپلماتیک،  
امنیتی و  
اقتصادی خود  
را با کابل افزایش  
داد

کرد، زیرا طالبان کوچک‌ترین محذوری برای ایجاد پناهگاهی امن برای انواع اسلام‌گرایان افراطی در افغانستان نداشت. این موضوع نه تنها شامل جنبش اسلامی ازبکستان می‌شد که عمدتاً به کشورهای آسیای مرکزی حمله می‌کرد، بلکه جنبش اسلامی ترکستان شرقی با محوریت اویغورها (ETIM) را هم که خواستار استقلال سین‌کیانگ بودند، در برمی‌گرفت. در نتیجه چین اقدامات دو جانبه و چند جانبه‌ای را انجام داد. در اقدامات دو جانبه، این کشور به دنبال معامله مستقیم با طالبان از طریق متحد دیرینه خود پاکستان بود. در اقدامات چند جانبه با همکاری روسیه و کشورهای آسیای مرکزی، یک نهاد امنیتی منطقه‌ای جدید به نام شانگهای پنج را در سال ۱۹۹۶ با مشارکت روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان راه‌اندازی کرد. این سازمان توسعه پیدا کرد و در سال ۲۰۰۱ به سازمان همکاری شانگهای تبدیل شد و ازبکستان را به عضویت پذیرفت.

مرحله دوم سیاست چین پس از دوران جنگ سرد در قبال افغانستان از سال ۲۰۰۱ که ایالات متحده پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به افغانستان حمله کرد تا سال ۲۰۲۱ که واشنگتن پس از ۲۰ سال ماجراجویی ناگوار، تصمیم به خروج کامل از افغانستان گرفت، ادامه پیدا کرد. در ۱۰ سال اول این دوره، چین یک رویکرد عمدتاً واکنشی را نسبت به مداخله ایالات متحده اتخاذ و با دولت جدید افغانستان که تحت حمایت ایالات متحده بود، تعامل محدودی را برقرار و هرگونه دخالت مستقیم امنیتی در این کشور را رد کرد. به هر حال پس از اینکه دولت او با ما اعلام کرد که نیروهای ایالات متحده و ناتورا از افغانستان بیرون خواهد برد، چین مجبور شد با عواقب یک افغانستان تحت کنترل پس از ایالات متحده مقابله کند. بنابراین، پس از سال ۲۰۱۲، پکن تعاملات دیپلماتیک، امنیتی و اقتصادی خود را با کابل افزایش داد. چین وضعیت ناظر در سازمان همکاری شانگهای برای افغانستان تصمیم گرفت و مشارکت دو جانبه را در ژوئن ۲۰۱۲ به مشارکت راهبردی و همکاری ارتقا داد. در سپتامبر ۲۰۱۲، ژو یونگ کانگ، یکی از اعضای کمیته دائمی دفتر سیاسی مسئول امنیت داخلی از کابل دیدار کرد. این نشانه غیرقابل انکاری بود مبنی بر اینکه پکن به دنبال همکاری امنیتی و مبارزه با تروریسم با دولت افغانستان است تا پس از خروج نیروهای ایالات متحده از آن کشور، منطقه سین‌کیانگ را پاکسازی کند. [۲ ص ۵۷۲]

چین پس از سال ۲۰۱۴ ایالات متحده بخش عمده‌ای از نیروهای رزمی خود را از افغانستان خارج کرد، به شدت فعالیت‌های دیپلماتیک دو جانبه و چند جانبه خود را تشدید کرد. بسیاری از ناظران سال ۲۰۱۴ را در تحول سیاسی چین، سال بسیار مهمی تلقی می‌کنند [۳ ص ۶۲۱، ۴ ص ۲۸۵]. تنها در آن سال دو مقام ارشد امنیتی چین، گوشنکون، وزیر امنیت عمومی و شورای دولتی و کویی کیانگو، معاون ستاد ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) از کابل دیدن کردند و رئیس‌جمهور جدید افغانستان، غنی، هم دیداری از چین داشت. به زودی همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی بین چین و افغانستان شکل‌های ملموس و در برخی از موارد علناً تأیید شده‌ای را به خود گرفتند.

چین نیروهای مسلح پلیس مردمی خود را برای پیوستن به هم‌تایان افغان خود برای گسترزی در ولایت بدخشان در شمال شرقی افغانستان فرستاد و برای حمایت از نیروهای امنیت ملی افغانستان، یک تیپ کوهستانی را اعزام کرد. کابل هم در تلاش برای مجاب کردن چین برای استفاده از نفوذش روی پاکستان برای کمک به شروع مذاکرات با طالبان، زندانیان اویغور را تحویل داد. در جبهه چند جانبه، در این دوره سه مکانیسم سه جانبه شکل